سید آخر الزمان و از امم برای امت مرحومهٔ ایشان درج فرموده و اینچنین عطیات که بحیز شمار در نیاید و هفت آیهٔ فاتحه را
مظهر آن ساخته بدین امت داد و افتتاحش بتسمیه مقرر کرده و اختتامش بامین معین ساخته بازنمید، تسمیه حرف با واقع شده
و منتهای آمین حرف نون اشارت بدانکه این امت را در بدایت بها و بهجت بوده بظهور شریعت محمدی صلعم و در نهایت نوال
و نصرت خواهد بود به برکت شفاعت احمدی علی شارعنا و شافعنا افضل الصلوة زهی کرامت و شرف این امت بیت پروانی را
که آن شه رهبر است : تاج کنتم خیر امت بر سر است : چون بود خیر الرسل آن محتشم : امتش باشند هم خیر الامم وصل آمین اسم
فعل است و اسماء افعال آنرا گویند که بمعنی امر یا ماضی باشد از روی وضع و در مفصل آورده که اسماء افعال دو نوعند بعضی برای تسمیهٔ امر
چون رویدکه اسم ارود است و برای تسمیهٔ اخبار چون هیهات که اسم بعد است و غلبهٔ اول راست یعنی طرف امر بیشتر است
زیرا که وضع این اسماء جهت اختصار است و حالت اختصار با مرکه محتاج بذکر مخاطب نیست ملایمت بیشتر دارد و اینها را اسماء اصوات
نیز گویند فاری آورده که داب ذو الجلال سطلید از حول و قوت خود تبری نموده و بحول و قوت الهی متوسل میشود و در کشف الاسرار
فرموده که این کلمه برای سه معنی می آید یکی ختم دعا دیگر پیوستن تضرع بدعا سیم استدراک و اشتراک در ان یعنی و آنچه گوید دعا
کسی که آمین گوید هرچه دعا کننده خواهند و اجابت کننده او نیز در آن انباز است و بعضی بر آنند که آمین دعاست بعد از دعا
ابهر دعاست و آمین دعای دیگر و دعا عبارت از طلبست بر سبیل تضرع بیشتر قرب بحضرت احدیت بیشتر و بلا و محنت آفت
در آمین از تضرع دور تر بیت ای که خواهی گر بلا جان و اخری : جان خود را از تضرع وا خری : کین تضرع را بر حق قدرهاست : آن بها
انجاست اینجا را کجاست : در تفسیر امام ابو اللیث از مقاتل نقل کرده که آمین دعا را قوت دهد و طلب فرود آمدن رحمت
کند و گفته اند آمین پیوند دعاست موسی ع دعا میکرد و هرون ع آمین میگفت و رب العالمین هر دو گفتار را دعا نام نهاد قد
اجیبت دعوتکما اجابت دعوت را بآمین نوع خصوصیتی است و نزد محققان میل بنده بدعا محض آمین است یعنی عین
اجابت و حضرت پیر رومی از همین خبر میدهد بیت گوید کو یا ذو الوفا اغفر لعبد قد هفا : چون بنده آید در دعا او در نهان آمین
کند : آمین او آنست کو اندر دعا ذوقش دهد او را برون و اندرون شیرین خویش آمین کند وصل فضیلت کلمه آمین
از آن زیاده است که مطاوی این مختصرات را گنجایش آن اندکی از بسیار آن تواند بود زید بن اسلم رحمه الله گوید آمین گنجیست
از گنجهای عرش کی تاویل وی کسی نداند و شنوانند مگر رب العالمین و حضرت خواجه قدس سره در تفسیر فاتحه فرموده که
این کلمه نامه ایست سر بمهر میان بنده و حق سبحانه و در او سریست مکتوم که معلوم هیچ خلق نیست از ملائکه و جن و انس و غیره
ایشان یکی از علما آورده که تلقین آمین از حق سبحانه لطیفیست پوشیده با بنده و گفتن بنده سریست مخفی که بطریق مناجات
با عالم السر و الخفیات از میان جان میگوید و هر یکی از بزرگان دین در تفسیر این کلمه از حال مقام خود رمزی گفته اند و در بیان آن
بالماس عبارتی سفته اند محمد حکیم رحمه الله فرموده که آمین را شانی بزرگست که اولیا بشناخت آن مخصوص اند چه ایشان بدیدهٔ دل
محل آمین کرده اند از مقام قرب و آنچه در ضمن اوست از برکه و استجابه و اشته از بزرگی مرتبه این کلمه ایست که حق سبحانه فاص

گردانید این امت بتکلم بدو دون سایر امم و از پیغمبران گذشته همین موسی و هرون آمده بود پس این چنین عطیه که آن
دو پیغمبر مرسل بآن اختصاص داشتند بدین امت ارزانی فرمود و عرق حسد یهود در حرکت آمده و در خبر آمده است که یهود بر هیچ
شما چندین حسد نبردند که بر کلمه آمین و در ینابیع آورده که یهود در تورات که ثواب این کلمه خوانده بودند و تفسیر آن و آنچه حق تعالی در
تقدس این کلمه رانده داده و در آرزوی آن بودند که بگفتن آن کلمه مامور شوند و نمیشدند و حق سبحانه این هدیه بامت حضرت خاتم صلعم
فرستاد و ایشان ثواب گفتن آن امید اینچنین شد چون تورات تلاوت او لاحق نبود گفتن نیتوانستند هم از گفتن محروم ماندند
هم از ثواب حسد بر ایشان غلبه کرد و از انس بن مالک رض منقولست که حضرت رسالت صلعم فرمود که خدای تعالی مرا سه چیز داد
که پیش از من کسی را نداده یکی صفوف صلوات در جماعت و امتان دیگر را بدین وضع نبوده دوم تحیت اهل بهشت یعنی سلام
و امم دیگر تحیت برین نمط نمی گفتند سیم آمین و آنرا نیز بکسی نداده اند قبل از من الا موسی و هرون در کشف الحقایق فرموده که
حدیث تلقین جبرئیل ع مرا آمین را از آن جمله است که دلالت بر فضلت این کلمه کند و چون آنحضرت بتلقین روح الامین بعد از
قراءت ام القرآن کلمه آمین میگفتند پس تلاوت او بعد از فاتحه مشتمل باشد بر متابعت آنحضرت و دلیل بر حسن اعتقاد بنده
بآنحضرت امتثال امر فاتبعونی و نشانهٔ محبت و موافقت ایشان و اهل البیت و صحابه و تابعین که ایشان نیز بر گفتن آمین مواظبت
مینمودند دیگر موافقت ملائکه نیز در ضمن وی مندرجست و در معالم التنزیل از ابی هریره نقل میکند که حضرت رسول صلوات الله علیه
فرمود که چون امام گوید ولا الضالین بگویید آمین که بدرستی ملائکه نیز در آن میگویند آمین و امام هم بر آن نطق است پس هر که
موافق افتد او بآمین ملائکه آمرزیده شود گناهان او و آنچه گذشته باشد و آنچه آینده و ای عزیز آمین ملائکه دلیل اجابت دعای
بنده است زیرا که ایشان بی گناهان و صادقانند و درخواست پاکان در چنان با اجابت مقرونست گویا اشارتست
از زبان لطف که ای بنده فرشته میگوییم تا بر دعا، تو آمین گوید شما را مناسب تر بر دعا خود آمین گوید مراد از آمین
تضرع و تذلل است که مقصود از دعا همین تواند بود چنانچه گویند این دعا از برای آمین است وصل دیگر از فضایل این
کلمه آنست که او خاتم پروردگار عالمیانست این خبر در بحر الحقایق بر نهج وارد شده که آمین خاتم رب العالمین علی عباده
المؤمنین مهر بر نامه دو فایده دارد یکی آنکه مانع است از آنکه تباهی بدو راه یابد و کسی بزیادت و کم در آن تصرف تواند کرد
دیگر آنکه آنچه در مکتوبست مخفی میماند و بر مضمون آن کسی اطلاع ندارد و اینجا نیز این خاتم منع کند آفات دعا را از بند شیطان
از تصرف در او باز دارد و آنچه مضمون جمال ابن است از ملاهی و تباهی عیوب و ذنوب بستر کرم ربانی پوشیده و مدتا
ابلیس از آن مطلع نشده شماتت لاغو تنیم شواند کرد و در بحر الحقایق آورده که چون بنده در نماز که معراج اوست تلاوت فاتحه
از روی صدق نیت و خلوص طویت تقرب بحق فرماید و لطایف حمد و شکر و استعانت و استعداد از حضرت عزت او انما
عنایت ربانی رسوم انانیت او را بسطوت تجلی هویت خود منقطع گرداند او را برتبهٔ فنا که مورث بقا حقیقت است عروج
داده نقد وقتش را بخاتم آمین مهر کنند هیچکس را از عالمیان نرسد که فک آن ختم و رفع آن مهر تواند کرد الا ملعون طبع

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)